



۲۰۱۸/۰۶/۰۱

میر عبدالرحیم عزیز

پیشگفتار

مضامینی که به ارتباط عملکرد چندین ساله "احمد شاه مسعود" از دید خوانندگان میگذرد، حاصل تحقیق و مطالعه اینجانب است که بر مبنای اسناد و کتب منتشره تحریر گردیده است. این مضامین بر اعمال ضد میهنی "احمد شاه مسعود" روشنی انداخته و نیات واقعی او را در مورد افغانستان به اثبات میرساند. در تحقیق و تحریر این سلسله مضامین، هیچگونه بغض و عداوت قومی و نژادی بکار برده نشده و از کلمات توهین آمیز قومی و محلی جداً احتراز گردیده است.

این مقالات می تواند مبنای تحقیقات بیشتری برای پیروان و مخالفان "احمد شاه مسعود" گردد. پیروان "مسعود" او را قهرمان می پندارند و مخالفان هم عکس نظر موافقان را اظهار می نمایند. هر یک از این مضامین بر یک گوشه از روابط تنگاتنگ مسعود با یک کشور خارجی و توطئه علیه کشورش روشنی می اندازد. پیروان تا چندی قبل از همه معاهدات مخفی و علنی "مسعود" انکار می کردند و می گفتند که این همه ساخت و یافت مخالفان است. بعد ها که اسناد غیر قابل انکار در سطوح ملی و بین المللی روی صحنه آمد، پیروان "مسعود" نظر دادند که این همه داد و ستد ها تکتیکی و یا ستراتیژیک بوده است. برعکس مخالفان اظهار عقیده می نمایند که نمیتوان اعمال ضد ملی و ضد میهنی آشکارای وی را تکتیک و ستراتیژی شمرد.

بایست متذکر شوم که مجموع مضامینی که درینجا به هم میهنان تقدیم میشود، به هیچوجه کامل نیست. بناً از هموطنان خواهش میشود که اگر به اسناد و معلومات بیشتری در خصوص عملکرد "احمد شاه مسعود" دسترسی داشته باشند، آن ها را در اختیار هموطنان قرار دهند و بر غنای دانش تاریخی شان بیافزایند.

احمد شاه مسعود جاسوس همه کس

مضمون اول

قسمت اول



جاسوس اعظم

کتابی تحت عنوان "جنگ مخفی در افغانستان: اتحاد شوروی، چین و استخبارات انگلو امریکن در جنگ افغان" اثر یک مورخ یونانی به اسم پانایوتس دیمیتراکس (Panagiotis Dimitrakis) بدستم رسید که نکات عمده مربوط به احمد شاه مسعود را به علاقمندان تقدیم کرده تا بدانند که این کاذب تاریخ به تمام سازمان های جاسوسی جهان ارتباط داشت. ارتباطات مخفی و علنی وی با دستگاه های استخباراتی کشور های مختلف از او یک خاین بزرگ به میهن ساخت. من مطالعه این کتاب را به کلیه مبارزان راه آزادی پیشنهاد می نمایم تا خود دریابند که چطور افغانستان دستخوش طرح های استعماری گردیده و چطور متجاوزین شرق و غرب از احمد شاه مسعود حمایت کرده و سرانجام او را منحصیث یک "قهرمان" دروغین بر کشور و مردم ما تحمیل نموده اند. عمال مورد حمایت سازمان های استخباراتی کشور های مختلف در افغانستان موظف شده اند که از خیانت های احمد شاه مسعود به افغانستان به دفاع برخاسته و هر عمل ضد ملی او را یک نوع عملکرد استثنائی زاده نبوغ این فرد خاین به میهن جلوه داده و آن را یک پیروزی در "نبرد استخبارتی" معرفی بدارند.



احمد شاه مسعود، گلبدین حکمتیار با آمران پاکستانی و عرب

مؤلف در صفحه ۱۴۹ کتاب خود می نویسد که بعد از حمله شوروی به افغانستان، تچر صدراعظم برتانیه راه عملیات مخفی را در پیش گرفت. تچر طی یک نامه به کارتر رئیس جمهور وقت امریکا به وضاحت بیان کرد که "ما برای عملیات نهانی در جستجوی امکانات گوناگونی هستیم". تچر به ام آی ۶ (سازمان استخبارات خارجی برتانیه) چراغ سبز نشان داد که به کمک اسلامیت های بشتابند. مامورین ام آی ۶ به زودی با احمد شاه مسعود یک جنگ سالار تاجک در دره پنجشیر تماس برقرار نمودند. در سال ۱۹۸۲، او یک فرستنده تکتیکی دریافت کرد و ام آی ۶ همچنان آموزش محدودی را برای قومندانان پائین رتبه تهیه نمود.

افراکتوس (مامور سی آی ای) تحت تاثیر تکنیک و تداوم تماس مستقیم ام آی ۶ با مسعود قرار گرفت که به اساس آن از مجرای پاکستان دوری جست (ص. ۱۶۵). سایر جنگ سالاران از حمایتی که مسعود بدست می آورد، خشنود نبودند. مسعود مذاکرات مخفی با شوروی انجام داد و بین سال های ۱۹۸۱-۱۹۸۳ از جنگ با شوروی دست کشید. طبق گزارش سی آی ای، بعد از حمله مخرب روس ها در خزان ۱۹۸۲ به دره پنجشیر، مسعود گروه جمعیت اسلامی را که به آن تعلق داشت، کنار زد و تقاضای کمک بشرخواهانه را نمود. مسعود بعضی مواقع سعی میکرد که در مورد مشکلات خود مبالغه نموده تا کمک بیشتری را بدست آورد.

مؤلف در صفحه ۱۶۶ می نویسد که در جنوری ۱۹۸۳، مسعود با کلونل اناتولی تاچف مربوط به جی آر یو (استخبارات وزارت دفاع شوروی) ملاقات نمود و گفت که او دشمن شوروی و مردم شوروی نیست. جنگ سالار معاهداتی با شوروی منعقد کرد که به موجب آن شوروی تضمین نمود که قریه جات زیر حمایت مسعود مورد حمله قرار نگیرد. در مقابل، باشندگان آن مناطق غذا پیشکش کرده و او [مسعود] مانع تاسیس یک مرکز نظامی افغان در نقطه جنوبی دره نگرده. این معاملات مخفی، جنگ سالاران مورد حمایت آی اس آی را خشمگین ساخت. افراکتوس جاسوس سی آی ای اشتیاق داشت که با مسعود رابطه برقرار نماید و توانست که با برادر مسعود ملاقات کند. سی آی ای سعی کرد از مجرای آی اس آی طرفه رفته و تماس مستقیم با قومندانان از زمره مسعود برقرار سازد. احمد شاه مسعود بار اول پول را از امریکائیان در سال ۱۹۸۴ بدست آورد. دیگر قومندانان

بین ۲۰۰۰۰ و ۱۰۰ هزار دالر ماهانه دریافت میکردند. شبکه مالی سی آی ای از آی اس آی پنهان بود و شامل ۵۰ قومندان منطقه‌ئی و گماشتگان دیگر میشد که ممکن جواسیسی را که از غرب اعزام میشدند، در بر نمیگرفت. برای تحویل پول از سیستم اسلامی حواله استفاده میگردد. جواسیسی افغانی مصروف گزارشات جنگ، تاثیرات شورش، وضع سایر جنگ سالاران، موثرت راکت های ستینگر، آمدن جنگجویان سنی عرب و کمک های مادی و مالی از آی اس آی، استخبارات عربستان و عرب های ثروتمند مانند بن لادن بودند (ص. ۱۸۳).

برحسب نوشته مؤلف، مسعود ترغیب گردید که در جریان عقب نشینی، قوای شوروی را مورد حمله قرار ندهد که به این نوع عملکرد ها با اعطای رشوه و معاملات خفیه ترتیب اثر داده میشد (ص. ۲۲۶). بعد از شکست شوروی، سی آی ای به کمک خود به مسعود طور متوسط ادامه داد، درحالیکه آی اس آی پول بیشتر به حکمتیار تحویل میداد. سی آی ای همچنان روابط خود را با مسعود، عبدالحق و اسماعیل خان انکشاف داد. سی آی ای توانست یک رابطه مخفی ارسال پول را به مسعود به وجود آورد. در ماه می ۱۹۸۹، برادر مسعود از جانب او ۹۰۰۰۰۰ هزار دالر دریافت کرد، بر علاوه اینکه ماهانه ۲۰۰۰۰۰ هزار دالر بدست می آورد. لاکن مسعود یک "اسلامیست پر حرارت" بود که از عبدالله اعزام و دیگر جنگجویان عرب هم در دره پنجشیر کمک دریافت میکرد. عبدالله اعزام مربی اسامه بن لادن بود که تمایل به گلبدین داشت (ص. ۲۳۱).

در سال ۱۹۹۸ یعنی در اوج حاکمیت طالبان، روسیه آرزو داشت که ائتلاف شمال و مسعود اسلامیست ها را شکست دهند. مسعود و متحدین همکاری مخفی با روسیه را جدی پنداشتند. کمک های روسیه به مسعود افزایش یافت و او تعداد زیاد زره دار و مقدار عظیم مهمات بدست آورد. یکی از ماموران استخباراتی روسیه توظیف شد که قوای مسعود را تعلیم دهد. انجینر های روسی پل جدید بر دریای آمو اعمار نمودند تا ارسال کمک را به این جنگ سالار سهولت بخشد. روس ها همچنان وضع میدان های تالفان و بگرام را بهبود بخشیده تا قوای مسعود را مساعدت نمایند. مسکو همچنان از تاجکستان تقاضا نمود که مرکز هوایی کولاب را در جنوب آن کشور برای کمک لوژیستیکی در اختیار مسعود بگذارد. در سال ۲۰۰۱، مسعود با اینگور سیرجی یف وزیر دفاع روسیه در دوشنبه دیدار داشت که به موجب آن بیشتر زره دار و مواد جنگی بدست آورد. همچنان هند هم از سال ۱۹۹۶ به بعد به مسعود کمک میداد. مشاورین هندی فرستاده شدند تا مسعود و متحدین او را علیه طالبان کمک نمایند. ایران هم متواتر به مسعود معاونت میکرد. سرانجام کمک های مخفی امریکا، روسیه، هند و ایران بود که ائتلاف شمال را از انهدام نجات داد، اما موفق نشد که سرنوشت میدان جنگ را عوض نماید. (۲۳۵-۲۳۹)

تا زمانیکه افغانستان در اشغال قوای بیگانه است و تا زمانیکه یک دولت دست نشانده و مستعمراتی در افغانستان حاکمیت دارد، احمد شاه مسعود منحیث "قهرمان" از جانب حامیانش که از پشتیبانی اشغالگران برخوردارند، تجلیل خواهد شد. هر لحظه ای که گلیم نظام مستعمراتی کابل به قوت نیرو های ملی و مردمی چیده شود و حاکمیت به مردم تعلق گیرد، احمد شاه مسعود مانند ملا عمر ملعون تاریخ خواهد شد.

پایان قسمت اول